

آیه ۲۱-۲۳

آیه و ترجمه

۲۱ و اذا اذقنا الناس رحمة من بعد ضراء مستهم اذا لهم مكر فى اياتنا قل  
الله اسرع مكر ان رسلنا يكتبون ما تمكرون  
۲۲ هو الذى يسيركم فى البر و البحر حتى اذا كنتم فى الفلك و جرین بهم بريح  
طیبة و فرحوا بها جاءتها ریح عاصف و جاءهم الموج من كل مكان و ظنوا انهم  
احيط بهم دعوا الله مخلصین له الدين لئن اُنجیتنا من هذه لنكونن من  
الشكرین  
۲۳ فلما اُنجئهم اذا هم یبغون فى الارض بغير الحق یا ایها الناس انما بغیکم على  
انفسکم متع الحیوة الدنيا ثم الینا مرجعکم فننبئکم بما كنتم تعملون  
ترجمه :

۲۱ - هنگامی که به مردم رحمتی پس از زیانی که به آنها رسیده  
می‌چشانیم آنها در آیات ما مکر می‌کنند (و دست به توجیهات ناروا برای آن  
نعمت و رحمت می‌زنند) بگو خداوند از شما سریعتر چاره‌جویی می‌کند، و  
رسولان ما آنچه مکر می‌کنید (و نقشه می‌کشید) می‌نویسند.  
۲۲ - او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می‌دهد تا اینکه در کشتی  
قرار می‌گیرید و بادهای موافق آنها را (به سوی مقصد) حرکت می‌دهند و  
خوشحال می‌شوند ناگهان طوفان شدیدی می‌وزد و امواج از هرسو به سراغ  
آنها می‌آید و گمان می‌برند هلاک خواهند شد در این موقع خدا را از روی  
اخلاص عقیده می‌خوانند که اگر ما را نجات دهی حتما از سپاسگزاران  
خواهیم بود.  
۲۳ - اما هنگامی که آنها را رهائی بخشید، (دوباره) در زمین، بدون حق، ستم  
می‌کنند ای مردم ستمهای شما به زیان خود شماست، بهره‌ای از زندگی دنیا  
(می‌برید) سپس بازگشت شما بسوی ماست و (خدا) شما را به آنچه عمل  
می‌کردید خبر می‌دهد.

### تفسیر :

در این آیات باز سخن از عقائد و کارهای مشرکان و سپس دعوت آنها به توحید و نفی هر گونه شرک است.

در آیه نخست اشاره به یکی از نقشه‌های جاهلانه مشرکان کرده، می‌گوید: هنگامی که مردم را برای بیداری و آگاهی، گرفتار مشکلات و زیانهای می‌سازیم سپس آن را بر طرف ساخته، طعم آرامش و رحمت خود را به آنها می‌چشانیم به جای اینکه متوجه ما شوند این آیات و نشانه‌ها را به باد مسخره و استهزاء گرفته، و یا با توجیهات نادرست در مقام انکار آنها برمی‌آیند و مثلاً بلاها، و مشکلات را به عنوان غضب بتها و نعمت و آرامش را دلیل بر شفقت و محبت آنان می‌گیرند، و یا به طور کلی همه را معلول یک مشیت تصادف می‌شمرند (و اذا اذقنا الناس رحمة من بعد ضراء مستهم اذالهم مکر فی آیاتنا).

کلمه «مکر» در آیه فوق که به معنی هر گونه چاره‌اندیشی است اشاره به توجیهات ناروا و راههای فراری است که مشرکان در برابر آیات پروردگار و ظهور بلاها و نعمتها می‌اندیشیدند. اما خداوند به وسیله پیامبرش به آنها هشدار می‌دهد که «به آنها بگو خدا از هر کس در چاره اندیشی و طرح نقشه‌های کوبنده قادرتر و سریعتر است» (قل الله اسرع مکر).

همانگونه که مکرر اشاره کرده‌ایم «مکر» در اصل به معنی هر گونه چاره‌اندیشی تواءم با پنهان کاری است، نه به آن معنی که در فارسی امروز از آن می‌فهمیم که تواءم با یکنوع شیطننت است، بنابراین هم در مورد خداوند صدق می‌کند و هم در مورد بندگان.

---

### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۵۸

اما اینکه در آیه مورد بحث مصداق این مکر الهی چیست؟ ظاهراً اشاره به همان مجازاتهای پروردگار است که بعضاً در نهایت اختفا و بدون هیچ مقدمه و با سرعت هر چه تمامتر انجام می‌گیرد، حتی گاهی خود مجرمان را با دست خودشان مجازات می‌کند، بدیهی است که آن کس که از همه قادرتر، و بر دفع موانع و تهیه اسباب توانا تر است، نقشه‌های او نیز سریعتر خواهد بود. و به تعبیر دیگر او هر زمان اراده مجازات و تنبیه کسی کند بلافاصله تحقق می‌یابد، در حالی که دگران چنین نیستند.

سپس آنها را تهدید می‌کند که گمان نبرید این توطئه‌ها و نقشه‌ها فراموش می‌گردد، «فرستادگان ما، یعنی فرشتگان ثبت اعمال، تمام نقشه‌هایی را که برای خاموش کردن نور حق می‌کشید می‌نویسند» (ان رسلنا یکتبون ماتمکرون).

و باید خود را برای پاسخگوئی و مجازات در سرای دیگر آماده کنید. درباره ثبت اعمال، و فرشتگان مامور آن ذیل آیات مناسب بحث خواهیم کرد. در آیه بعد دست به اعماق فطرت بشر انداخته و توحید فطری را برای آنها تشریح می‌کند که چگونه انسان در مشکلات بزرگ و به هنگام خطر، همه چیز را جز خدا فراموش می‌نماید، اما به محض اینکه بلا بر طرف شد، آتش خاموش گشت و مشکل حل گردید بار دیگر ستمگری را پیشه می‌کند و از خدا بیگانه می‌شود.

نخست می‌گوید: «او خدائی است که شما را در صحرا و دریا سیر می‌دهد» (هو الذی یسیرکم فی البر و البحر).

«تا هنگامی که در کشتی قرار می‌گیرید و بادهای موافق سرنشینان کشتی را آرام آرام به سوی مقصد حرکت می‌دهند و همه شادمان و خوشحالند» (حتی اذا کنتم فی الفلک و جرین بهم بريح طيبة و فرحوا بها).

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۵۹

«اما ناگهان طوفان شدید و کوبنده‌ای می‌وزد، و امواج از هر سو به طرف آنها هجوم می‌آورد، آنچنان که مرگ را با چشم خود می‌بینند و دست از زندگانی می‌شویند» (جائتها ریح عاصف و جائهم الموج من کل مکان و ظنوا انهم احیط بهم).

درست در چنین موقعی به یاد خدا می‌افتند «و او را از روی اخلاص می‌خوانند و آئین خود را برای او از هر گونه شرک و بت پرستی خالص می‌کنند»! (دعوا الله مخلصین له الدین).

در این هنگام دست به دعا بر می‌دارند و می‌گویند: «خداوندا! اگر ما را از این مهلکه رهایی بخشی سپاسگزار تو خواهیم بود نه ستم می‌کنیم و نه به غیر تو روی می‌آوریم» (لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین). «اما هنگامی که خدا آنها را رهایی می‌بخشد و به ساحل نجات می‌رسند شروع به ظلم و ستم در زمین می‌کنند» (فلما انجاهم اذا هم یبغون فی الارض بغیر الحق).

ولی «ای مردم بدانید هر گونه ظلم و ستمی مرتکب شوید و هر انحرافی از حق پیدا کنید زیانش متوجه خود شما است» (یا ایها الناس انما بغیکم علی انفسکم).

آخرین کاری که می‌توانید انجام دهید این است که «چند روزی از متاع زندگی دنیا بهره‌مند شوید» (متاع الحیوة الدنیا).  
«سپس بازگشت شما به سوی ما است» (ثم الینا مرجعکم).  
«آنگاه ما شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهیم ساخت» (فننبئکم

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۶۰

بما کنتم تعملون).

نکته ها

در اینجا به چند نکته باید توجه کرد:

۱ - آنچه در آیات فوق خواندیم مخصوص به بت پرستان نیست، بلکه یک اصل کلی درباره همه افراد آلوده و دنیاپرست و کم ظرفیت و فراموشکار است، به هنگامی که امواج بلاها آنها را احاطه می‌کند و دستشان از همه جاکوتاه، و کارد به استخوانشان می‌رسد، و یار و یآوری برای خود نمی‌بینند، دست به درگاه خدا بر می‌دارند و هزار گونه عهد و پیمان با او می‌بندند و نذر و نیاز می‌کند که اگر از این بلاها رهائی یابیم چنین و چنان می‌کنیم.  
اما این بیداری و آگاهی که انعکاسی است از روح توحید فطری برای اینگونه اشخاص چندان به طول نمی‌انجامد، همینکه طوفان بلا فرونشست و مشکل حل شد پرده‌های غفلت بر قلب آنها فرو می‌افتد پرده‌های سنگینی که جز طوفان بلا نمی‌توانست آن را جابجا کند.

با اینکه این بیداری موقتی، اثر تربیتی در افراد فوق العاده آلوده ندارد حجت را بر آنها تمام می‌کند، و دلیلی خواهد بود بر محکومیتشان.

ولی افرادی که آلودگی مختصری دارند در این گونه حوادث معمولاً بیدار می‌شوند و مسیر خود را اصلاح می‌کنند، اما بندگان خدا حسابشان روشن است، در آرامش همان قدر به خدا توجه دارند که به هنگام سختی زیرامی‌دانند هر خیر و برکتی که ظاهراً از عوامل طبیعی به آنها می‌رسد آنهم درواقع از ناحیه خدا است.

و به هر حال این یادآوری و تذکر در آیات فراوانی از قرآن مجید آمده است.

۲ - در آیات فوق نقطه مقابل «ضراء» (ناراحتی و زیان) «رحمت»

ذکر شده است نه «سراء» (خوشی و مسرت) اشاره به اینکه هر گونه خوبی به انسان برسد از ناحیه خدا و رحمت بی پایان او است در حالی که بدیها اگر به عنوان درس عبرت نباشد از اثرات اعمال خود انسان می باشد.

۳ - در آغاز دومین آیه مورد بحث ضمیرها به صورت مخاطب ذکر شده، اما در اثناء آیه به صورت غائب در می آید، و مسلما این نکته ای دارد، بعضی از مفسران گفته اند که این تغییر لحن آیه به خاطر آن است که وضع حال مشرکان را به هنگامی که گرفتار طوفان و بلا می شوند به عنوان درس عبرتی برای دیگران بیان کنند به همین دلیل آنها را غائب فرض کرده و بقیه را در حضور بعضی دیگر گفته اند نکته اش بی اعتنائی و تحقیر آنها است گوئی نخست آنها را خداوند به حضور می پذیرد و مخاطب می سازد، سپس آنها را از خود دور کرده و رها می نماید.

این احتمال نیز وجود دارد که آیه به صورت یک ترسیم طبیعی از چگونگی وضع مردم باشد، تا آن زمان که در کشتی نشسته اند و از ساحل دور نشده اند در میان جمعند، و بنابراین می توانند مخاطب باشند، اما هنگامی که کشتی آنها را از ساحل دور می کند و از چشمها تدریجا پنهان می شوند به صورت گروه غائبی در شمار می آیند و این یک ترسیم زنده از دو حالت مختلف آنهاست.

۴ - جمله «احیط بهم» به معنی این است که آنها از هر سو در احاطه امواج بلا قرار گرفته اند ولی در اینجا کنایه از هلاکت و نابودی است، که لازمه آن می باشد.

آیه ۲۴-۲۵

آیه و ترجمه

۲۴ انما مثل الحیوة الدنیا کماء انزلنه من السماء فاختلط به نبات الارض ممایاء کل الناس و الانعم حتی اذا اخذت الارض زخرفها و ازینت و ظن اهلها انهم قدرون علیها اتئها امرنا لیلا ءو نهارا فجعلنھا حصیدا کائن لم تغن بالامس کذلک نفصل الایت لقوم یتفکرون

۲۵ و الله یدعوا الی دار السلم و یمهدی من یشاء الی صراط مستقیم

ترجمه :

۲۴ - زندگی دنیا همانند آبی است که از آسمان نازل کرده‌ایم که بر اثر آن گیاهان گوناگون که مردم و چهار پایان از آن می‌خورند، می‌روید، تا زمانی که روی زمین زیبائی خود را (از آن) گرفته و تزیین می‌گردد و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند (ناگهان) فرمان ما شب هنگام یادآور روز برای نابودی آن (فرا می‌رسد) سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلط می‌سازیم) و آنچنان آنرا درو می‌کنیم که (گوئی) هرگز نبوده است اینچنین آیات خود را برای گروهی که تفکر می‌کنند شرح می‌دهیم.

۲۵ - و خداوند دعوت به سرای صلح و سلامت می‌کند و هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌نماید.

تفسیر :

### دورنمای زندگی دنیا

در آیات گذشته اشاره‌ای به ناپایداری زندگی دنیا شده بود، در نخستین آیه‌مورد بحث این واقعیت ضمن مثال جالبی تشریح شده تا پرده‌های غرور و غفلت

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۶۳

از مقابل دیده‌های غافلان و طغیانگران کنار زند.

«زندگی دنیا همانند آبی است که از آسمان نازل کرده‌ایم» (انما مثل الحیوة الدنیا کماء انزلناه من السماء).

این دانه‌های حیاتبخش باران بر سرزمینهای آماده می‌ریزند، «و به وسیله آن گیاهان گوناگون که بعضی قابل استفاده برای انسانها، و بعضی برای حیوانات است، می‌رویند» (فاختلط به نبات الارض مما یاکل الناس والانعام).

این گیاهان علاوه بر خاصیت‌های غذائی که برای موجودات زنده دارند سطح زمین را می‌پوشانند و آن را زینت می‌بخشند، تا آنجا که «زمین بهترین زیبائی خود را در پرتو آن پیدا کرده و تزیین می‌شود» (حتی اذا اخذت الارض زخرفها و ازینت).

در این هنگام شکوفه‌ها، شاخساران را زینت داده و گلها می‌خندند، و گیاهان در پرتو نور آفتاب می‌درخشند، و ساقه‌ها و شاخه‌ها همراه وزش باد در طربند دانه‌های غذائی و میوه‌ها کم کم خود را نشان می‌دهند، و صحنه پر جوشی را از

حیات و زندگی به تمام معنی کلمه مجسم می کنند، که دلهارا پر از امید و چشمها را پر از شادی و سرور می سازند، آنچنان که «اهل زمین مطمئن می شوند، که می توانند از مواهب این گیاهان بهره گیرند» هم از میوه ها و هم از دانه های حیاتبخشان (و ظن اهلها انهم قادرون علیها). «اما ناگهان فرمان ما فرا می رسد (سرماي سخت و یا تگرگ شدید و یا طوفان درهم کوبنده ای بر آنها مسلط می گردد) و آنها را چنان درو می کنیم که گویا هرگز نبوده اند!» (اتاهما امرنا لیلا او نهارا فجعلناها حصیدا کان لم تغن بالامس).

«لم تغن» از ماده «غنا» به معنی اقامت کردن در مکانی است، بنابراین جمله «لم تغن بالامس» یعنی «دیروز در این مکان نبوده است» و این کنایه از این است که چیزی به کلی از میان برود آنچنان که گوئی هرگز وجود نداشته!

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۶۴

در پایان آیه برای تاکید بیشتر می فرماید: «این چنین آیات خود را برای افرادی که تفکر می کند تشریح می کنیم» (کذلک نفصل الایات لقوم یتفکرون).

آنچه گفته شد ترسیم روشن و گویائی از زندگی زودگذر و فریبنده و پر زرق و برق دنیای مادی است که نه مقام و ثروتش قابل دوام است و نه جای امنیت و سلامت می باشد.

لذا در آیه بعد با یک جمله کوتاه اشاره به نقطه مقابل اینگونه زندگی کرده و می فرماید «خداوند به دارالسلام، خانه صلح و سلامت و امنیت دعوت می کند» (و الله یدعوا الی دار السلام).

در آنجا که نه از این کشمکشهای غارتگران دنیای مادی خبری است، و نه از مزاحمتهای احمقانه ثروت اندوزان از خدا بیخبر، و نه جنگ و خونریزی و استعمار و استثمار، و تمام این مفاهیم در کلمه دارالسلام (خانه صلح و سلامت) جمع است.

و هر گاه زندگی در این دنیا نیز شکل توحیدی و رستاخیزی به خود گیرد آن هم تبدیل به دارالسلام می شود، و از صورت آن مزرعه بلا دیده طوفان زده در می آید.

سپس اضافه می کند «خدا هر کس را بخواهد (و شایسته و لایق ببیند)



به سوی راه مستقیم، همان راهی که به دارالسلام و مرکز امن و امان منتهی می شود، دعوت می کند» (و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم).

### نکته ها

در اینجا به دو نکته باید توجه کرد:

۱- از آنجا که قرآن یک کتاب انسانسازی و تربیت است در بسیاری از موارد برای روشن ساختن حقایق عقلی متوسل به ذکر مثال می شود و گاهی

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۶۵

موضوعاتی را که آغاز و انجامش، سالها طول می کشد در یک صحنه زودگذر و قابل مطالعه در برابر چشمان مردم مجسم می سازد.

بررسی تاریخ پر ماجرای عمر یک انسان یا یک نسل که گاهی یکصد سال طول می کشد برای افراد عادی کار آسانی نیست، اما هنگامی که صحنه ای همانند زندگی بسیاری از گیاهان که در چند ماه خلاصه می شود (از تولد و رشد و نمو و زیبایی و سپس نابودی) در مقابل او قرار دهند بسیار راحت می تواند چگونگی زندگی خود را در این آئینه شفاف ببیند

درست این صحنه را در مقابل چشم خود مجسم کنید، باغی است پر از درخت و سبزه و گیاه که همگی به ثمر نشسته و غوغای حیات در سرتاسر آن نمایان است، اما در یک شب تاریک یا یک روز روشن ناگهان ابرهای سیاه آسمان را میپوشاند، رعد و برق و سپس طوفان و رگبارهای شدید و تگرگهای دانه درشت آنرا از هر سو درهم می کوبد.

فردا که به دیدن آن باغ می آئیم درختان در هم شکسته، گیاهان از هم پاشیده و پژمرده، و همه چیز را در هم به روی خاک ریخته در مقابل خودمان مشاهده می کنیم آنچنان که باور نمی کنیم این همان باغ سرسبز خرمی است که دیروز بروی ما می خندید.

آری چنین است ماجرای زندگی انسانها مخصوصا در عصر و زمان ما که گاه یک زلزله یا یک جنگ چند ساعته چنان یک شهر آباد و خرم را در هم می کوبد که چیزی جز یک ویرانه با یک مشت اجساد قطعه قطعه شده باقی نمی گذارد.

و چه غافلند مردمی که به چنین زندگی ناپایدار دل خوش کرده اند؟! در جمله «اختلط به نبات الارض» باید توجه داشت که «اختلاط» در اصل آنچنان که «راغب» در «مفردات» گفته: به معنی جمع میان دو



چیز یا بیشتر است، خواه مایع باشند یا جامد، و «اختلاط» اعم از «امتزاج» است (زیرا

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۶۶

امتزاج معمولاً در مایعات گفته می‌شود) بنابراین معنی جمله چنین می‌شود که بوسیله آب باران، گیاهان از هر قسم به هم می‌آمیزند، گیاهانی که بدر دانه‌ها می‌خورند یا مورد استفاده حیوانات است. جمله فوق اشاره ضمنی به این حقیقت نیز می‌کند که خداوند از آب باران که یککنوع و یک حقیقت بیشتر ندارد انواع و اقسام گیاهانی را می‌رویاند که نیازمندیهای مختلف انسانها و حیوانات را با مواد غذایی گوناگونشان تامین می‌کنند.

آیه ۲۶-۲۷

آیه و ترجمه

۲۶ للذین احسنوا الحسنی و زیاده و لا یرھق وجوھھم قتر و لا ذلۃ  
اولئکاء صھب الجنة هم فیھا خالدون  
۲۷ و الذین کسبوا السیات جزاء سیئۃ بمثلھا و ترھقھم ذلۃ ما لھم من اللہ  
من عاصم کاءنما اغشیت وجوھھم قطعاً من الیل مظلماً اولئکاء صھب النار  
هم فیھا خالدون

ترجمه :

۲۶ - کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و زیاده بر آن دارند و تاریکی و ذلت  
چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند آنها یاران بهشتند و جاودانه در آن خواهند ماند.  
۲۷ - اما کسانی که مرتکب گناهان شدند جزای بدی بمقدار آن دارند و ذلت و  
خواری چهره آنها را می‌پوشاند و هیچ چیز نمی‌تواند آنها را از (مجازات) خدا  
نگهدارد، (چهره‌هایشان آنچنان تاریک است که) گوئی پاره‌هایی از شب تاریک  
صورت آنها را پوشانده، آنها یاران آتشند و جاودانه در آن خواهند ماند.

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۶۷

تفسیر :

روسفیدان و روسیاهان

در آیات گذشته اشاره به سرای آخرت و روز رستاخیز شده بود، به همین مناسبت، آیات مورد بحث سرنوشت نیکوکاران و آلودگان به گناه را در

آنجا تشریح می کند.

نخست می گوید: «کسانی که کار نیک انجام دهند پاداش نیک و زیاده بر آن دارند» (لَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةً).

در اینکه منظور از «زیاده» در این جمله چیست میان مفسران گفتگوست ولی با توجه به اینکه آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می کنند، اشاره به پاداشهای مضاعف و فراوانی است که گاهی ده برابر و گاهی هزاران برابر (به نسبت اخلاص و پاکی و تقوا و ارزش عمل) بر آن افزوده می شود، در آیه ۱۶۰ سوره انعام می خوانیم من جاء بالحسنة فله عشر امثالها: «کسی که کار نیکی انجام دهد ده برابر به او پاداش داده خواهد شد.

و در جای دیگر می خوانیم: فاما الذين آمنوا و عملوا الصالحات فيوفيهما اجرهم و يزيدهم من فضله: «اما کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند خداوند پاداش آنها را بطور کامل می دهد و از فضل و کرم خود نیز بر آن می افزاید (سوره نساء آیه ۱۲۷).

در آیات مربوط به انفاق در سوره بقره (آیه ۲۶۱) نیز سخن از پاداش

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۶۸

نیکوکاران تا هفتصد برابر و یا چند مقابل آن به میان آمده است. نکته دیگر که در اینجا باید به آن توجه داشت این است که کاملاً امکان دارد، که این اضافه در جهان دیگر مرتباً افزایش یابد، یعنی هر روز موهبت و لطف تازه‌ای از ناحیه خداوند به آنها ارزانی داشته شود و این در واقع نشان می دهد که زندگی جهان دیگر یکنواخت نیست و به سوی تکامل در یک شکل نامحدود پیش می رود.

روایاتی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در تفسیر این آیه نقل کرده اند که منظور از «زیاده» توجه به جلوه ذات پاک پروردگار و استفاده از این موهبت بزرگ معنوی است ممکن است اشاره به همین نکته باشد.

در پاره‌ای از روایات که از ائمه اهل بیت نقل شده «زیاده» به نعمتهای دنیاتفسیر شده است که خداوند علاوه بر پاداش جهان دیگر نیکوکاران را از آن بهره مند می سازد.

ولی هیچ مانعی ندارد که کلمه «زیاده» در آیه فوق اشاره به همه این مواهب بوده باشد.

سپس اضافه می کند «نیکوکاران در آن روز چهره‌های درخشان دارند

وتاریکی و ذلت، صورت آنها را نمی‌پوشاند» (و لا یرھق وجوھہم قتر ولا ذلة).

«(یرھق)» از ماده «(رھق)» به معنی پوشاندن قهری و اجباری است و «(قتر)» به معنی غبار و یا دود است. و در پایان آیه می‌فرماید: «این گروه یاران بهشتند و جاودانه در آن خواهند ماند» (اولئک اصحاب الجنة هم فیہا خلدون). تعبیر به اصحاب اشاره به تناسبی است که میان روحیه این گروه و محیط بهشت وجود دارد.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۶۹

در آیه بعد سخن از دوزخیان به میان می‌آید که در نقطه مقابل گروه اولند می‌گوید کسانی که مرتکب گناهان می‌شوند جزای بدی به مقدار عملشان دارند» (و الذین کسبوا السيئات جزاء سيئة بمثلها). در اینجا سخنی از «(زیاده)» در کار نیست، چرا که در پاداش زیاده، فضل و رحمت است اما در کیفر، عدالت ایجاب می‌کند که ذره‌ای بیش از گناه نباشد. ولی آنها به عکس گروه اول چهره‌هائی تاریک دارند «(و ذلت، صورت آنها را می‌پوشاند)» (و ترھقہم ذلة). ممکن است سؤال شود که عدالت ایجاب می‌کند بیش از گناهشان کیفر نبینند و این تاریکی چهره و گرد و غبار مذلت بر آن نشستن چیز اضافه‌ای است. اما باید توجه داشت که این خاصیت و اثر عمل است که از درون جان انسان به بیرون منعکس می‌گردد، درست مثل این است که بگوئیم افراد شرابخوار باید تازیانه بخورند و در عین حال شراب انواع بیماریهای معده و قلب و کبد و اعصاب را ایجاد می‌کند. به هر حال ممکن است بدکاران گمان کنند راه فرار و نجاتی خواهند داشت و یا بته‌ها و مانند آنها می‌توانند برایشان شفاعت کنند اما جمله بعد صریحاً می‌گوید که «هیچ کس و هیچ چیز نمی‌تواند آنها را از مجازات الهی دورنگه دارد» (ما لہم من اللہ من عاصم). تاریکی چهره‌های آنها به اندازه‌ای زیاد است که «گوئی پاره‌هائی از شب تاریک و ظلمانی، یکی پس از دیگری بر صورت آنها افکنده شده است» (کانما اغشیت وجوھہم قطعاً من اللیل مظلماً).

«آنها اصحاب آتشند و جاودانه در آن می مانند» (اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون).

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۷۰

آیه ۲۸ - ۳۰

آیه و ترجمه

۲۸ و یوم نحشرهم جمیعاً ثم نقول للذین اءشركوا مکانکم ائتم و شرکاءکم فزیلنا بینهم و قال شرکاءهم ما کنتم ایانا تعبدون  
۲۹ فکفی بالله شهیداً بیننا و بینکم ان کنا عن عبادتکم لغفلین  
۳۰ هنالک تبلوا کل نفس ما اءسلفت و ردوا الی الله مولاہم الحق و ضل عنہم ما کانوا یفترون

ترجمه :

۲۸ - بخاطر بیاورید آن روز را که همه آنها را جمع می کنیم سپس به مشرکان می گوئیم شما و معبودهایتان در جای خودتان باشید (تا به حسابتان رسیدگی شود) سپس آنها را از هم جدا می کنیم (و از هر یک جداگانه سؤال می نمائیم) و معبودهایشان (به آنها) می گویند شما (هرگز) ما را عبادت نمی کردید!

۲۹ - همین بس که خدا میان ما و شما گواه است که ما از عبادت کردن شما غافل (و بیخبر) بودیم.

۳۰ - در آن هنگام (و در آنجا) هر کس عملی را که قبلاً انجام داده است می آزماید و همگی به سوی الله، مولا و سرپرست حقیقتی خود باز می گردند، و آنها را که به دروغ شریک خدا قرار داده بودند گم و نابود می شوند.

تفسیر :

یک صحنه از رستاخیز بت پرستان

این آیات نیز بحثهای گذشته را در زمینه «مبدء» و «معاد» و وضع مشرکان دنبال می کند، و بیچارگی آنها را به هنگامی که در محضر عدل الهی و در پیشگاه حسابرسی او حاضر می شوند مجسم می سازد. نخست می گوید: «به خاطر بیاورید روزی را که همه بندگان

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۷۱

و محشور می‌کنیم)) (و یوم نحشرهم جمیعا).  
«سپس به مشرکان می‌گوئیم شما و معبودهایتان در جای خود باشید تا به حسابتان رسیدگی شود» (ثم نقول للذین اشرکوا مکانکم انتم و شرکائکم).

جالب این است که در آیه فوق از «بتها» تعبیر به «شرکائکم» شده، یعنی «شریکهای شما» در حالی که مشرکان بتها را شریک خدا قرار داده بودند، نه شریک خودشان.

این تعبیر در حقیقت اشاره لطیفی به این نکته است که بتها در واقع شریک خدا نبودند و این اوهام و خیالات بت پرستان بود که این موقعیت را به آنان بخشید، یعنی آنها شریکان انتخابی شما هستند، و این درست به آن می‌ماند که کسی، معلم یا رئیس نا صالحی برای مدرسه‌ای انتخاب بکند، و کارهای نادرستی از او سرزند، ما به او می‌گوئیم بیا ببین این معلم تو و این رئیس توجیه کاری که نکرده است (در حالی که نه معلم و نه رئیس او است، بلکه معلم و رئیس مدرسه است ولی او انتخابشان کرده).

سپس اضافه می‌کند که «ما این دو گروه (معبودان و عابدان) را از یکدیگر جدا می‌کنیم» و از هر کدام جداگانه سؤال می‌نمائیم (همانگونه که در تمام دادگاهها این مساله معمول است که از هر کس جداگانه بازپرسی به عمل می‌آید).

از بت پرستان سؤال می‌کنیم به چه دلیل این بتها را شریک خدا قرار دادید و عبادت کردید؟ و از معبودان نیز می‌پرسیم به چه سبب شما معبود واقع شدید

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۷۲

و یا تن به این کار دادید؟ (فزیلنا بینهم).  
در این هنگام شریکانی را که آنها ساخته بودند، به سخن می‌آیند «ومی‌گویند شما هرگز ما را پرستش نمی‌کردید» (و قال شرکائهم ما کنتم ایانا تعبدون).

شما در حقیقت هوی و هوسها و اوهام و خیالات خویش را می‌پرستیدید، نه ما را و از این گذشته این عبادت شما نسبت به ما نه به امر و فرمان ما بوده و نه به رضایت ما، و عبادتی که چنین باشد در حقیقت عبادت نیست.

سپس برای تاءکید بیشتر می‌گویند «همین بس که خدا گواه میان ما و شماست که ما به هیچوجه از عبادت شما آگاه نبودیم» (فکفی بالله

شهیدابیننا و بینکم ان کنا عن عبادتکم لغافلین).  
در اینکه منظور از بتها و شرکاء در آیه فوق چه معبودهائی است، و اینکه چگونه آنها چنین سخن می‌گویند در میان مفسران گفتگو است.  
بعضی احتمال داده‌اند که منظور معبودهای انسانی و شیطانی و یا ازفرشتگان است که دارای عقل و شعور و ادراکند، ولی با این حال خبر ندارند که گروهی آنها را پرستش می‌کنند، به خاطر اینکه یا در غیاب آنها چنین عبادتی صورت گرفته و یا پس از مرگ آنها (مانند انسانهایی که پس از مرگشان مورد پرستش قرار گرفته‌اند).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۷۳

بنابراین سخن گفتن آنها کاملاً طبیعی خواهد بود، و این آیه نظیر آیه ۴۱ سوره سبا می‌باشد که می‌گوید: و یوم یحشرهم جمیعاً ثم یقول للملائکة ۱هؤلاء ایاکم کانوا یعبدون: «آن روز که خداوند همه را جمع و محشور می‌کند سپس به فرشتگان می‌گوید: آیا این گروه شما را عبادت می‌کردند؟! احتمال دیگری که بسیاری از مفسران ذکر کرده‌اند این است که در آن روز خداوند حیات و شعور در بتها می‌آفریند آنچنان که بتوانند حقایق را بازگو کنند، و جمله بالا که از زبان بتها نقل شده که آنها خدا را به شهادت می‌طلبند که از عبادت عابدان خود غافل بودند، بیشتر تناسب با همین معنی دارد چرا که بتهای سنگی و چوبی اصلاً چیزی نمی‌فهمند.  
این احتمال را نیز می‌توانیم در تفسیر آیه بگوئیم که تمام معبودها را شامل می‌شود منتها معبودهائی که عقل و شعور دارند، به زبان خود حقیقت را بازگو می‌کنند، ولی معبودهائی که دارای عقل و شعور نیستند به زبان حال و از طریق منعکس ساختن آثار عمل سخن می‌گویند، درست مثل اینکه می‌گوئیم رنگ رخسار تو از سر درونت خبر می‌دهد، قرآن نیز در آیه ۲۱ سوره فصلت می‌گوید که پوسته‌ای انسان در عالم رستاخیز به سخن درمی‌آیند و همچنین در سوره زلزال می‌گوید زمینهایی که انسان روی آنها زندگی داشته، حقایق را بازگو می‌کنند.  
این مساله در عصر و زمان ما مساله پیچیده‌ای نیست جائی که یک نواری زبان تمام گفته‌های ما را روی خود ضبط و به هنگام لزوم بازگو می‌کند، تعجبی ندارد که بتها نیز واقعیات اعمال عبادت کنندگان خود را منعکس نمایند!.  
به هر حال «در آن روز و در آن مکان و در آن حال - همانگونه که قرآن

در آخرین آیه مورد بحث می گوید - «هر کس اعمال خویش را که قبلانجام

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۷۴

داده است می آزماید و نتیجه بلکه خود آن را می بیند» چه عبادت کنندگان و چه معبودهای گمراهی که مردم را به عبادت خویش دعوت کردند، چه مشرکان و چه مؤمنان از هر گروه و از هر قبیل (هنالک تلبوا کل نفس ما اسلفت).

«و در آن روز همگی به سوی الله که مولی و سرپرست حقیقی آنان است باز می گردند» و دادگاه محشر نشان می دهد که تنها حکومت به فرمان او است (و ردوا الی الله مولیهم الحق).

«و سرانجام تمام بستها و معبودهای ساختگی که به دروغ آنها را شریک خدا قرار داده بودند، گم و محو و نابود می شوند (و ضل عنهم ما كانوا یفترون). چرا که آنجا عرصه ظهور و بروز تمام اسرار مکتوم بندگان است و هیچ حقیقتی نمی ماند مگر اینکه خود را آشکار می سازد اصولاً در آنجا موقوفها و مقاماتی است که نه نیاز به سؤال دارد، نه جدال و گفتگو، بلکه تنها وضع حال حکایت از همه چیز می کند و نیازی به مقال نیست!

بعد ←

↑ غرست

→ قبل